

باستان‌شناسی خوزستان

مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران
به کوشش: یوسف حسن‌زاده و سیما میری
تهران، موزه ملی ایران
۱۳۹۰

مادی مهران پور، یوسف دیناروند

چکیده

بیش از یکصدوسی سال از آغاز بررسی‌های باستان‌شناسی در خوزستان می‌گذرد. فعالیت‌های باستان‌شناسی را غربی‌ها در این منطقه شروع کردند و در واقع می‌توان گفت تاریخ باستان‌شناسی ایران با خوزستان آغاز می‌شود و ممکن است دلیل آن پیوستگی به دشت بین‌النهرین باشد که در آن منطقه کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌ها زودتر آغاز شده بود. این کاوش‌ها ابتدا چندان رنگ و بوی علمی نداشت و بیشتر پی‌کنی به قصد دستیابی به آثار باستانی مشرق زمین به سفارش موزه‌های بزرگ اروپا بود و عمدتاً زیر نظر افرادی با تخصص‌هایی غیر از باستان‌شناسی هم‌چون مهندسان معدن، زمین‌شناسان، مهندسان معمار، افراد سیاسی و مانند آن انجام شد. این کاوش‌ها در آغاز در انحصار فرانسوی‌ها بود، اما به مرور و با گسترش علم باستان‌شناسی، سایر کشورها نیز وارد عرصه باستان‌شناسی ایران شدند. در این بین باستان‌شناسان ایرانی نیز از حدود دهه چهل خورشیدی نقش خود را یافتند و رفته رفته فعالیت‌های خود را گسترش دادند و با رویداد انقلاب اسلامی و خروج باستان‌شناسان سایر کشورها به طور کامل این بررسی‌ها را در اختیار گرفتند. با توجه به اینکه تاریخچه کاملی از این فعالیت‌ها در این استان موجود نبود و کمبود آن احساس می‌شد نگارندگان بر آن شدند تا تحقیق کاملی در این زمینه انجام دهند و علاوه بر نگارش تاریخچه، به فعالیت‌های برجسته در این زمینه و نتایج حاصل از آن‌ها بپردازند.

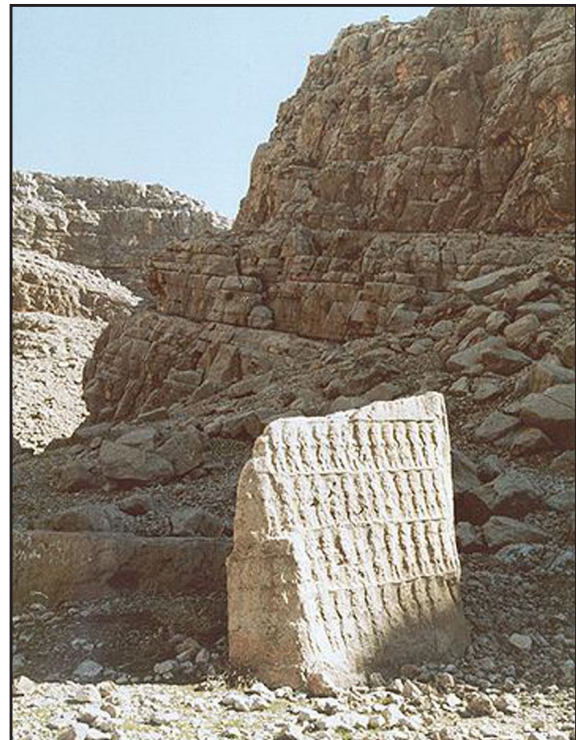
برای دستیابی به این مهم، سعی کردیم همه منابع در دسترس را در مورد فعالیت‌های باستان‌شناسی بررسی کنیم. در متن مقاله به چگونگی آغاز بررسی‌ها، روند تغییر آن‌ها و اهم فعالیت‌های صورت گرفته در خوزستان و نتایج آنها پرداخته شده و در پایان جدولی آمده که دربردارنده جزئیات فعالیت‌های باستان‌شناختی در خوزستان است.



موقعیت جغرافیایی

خوزستان در جنوب غربی ایران و شمال غربی خلیج فارس واقع است و وسعتی بالغ بر ۶۴۶۵۴ کیلومتر مربع دارد. این دشت را رشته کوه‌های زاگرس در شمال و شرق، خلیج فارس در جنوب و مرز عراق در غرب احاطه کرده است (علیزاده ۱۳۸۲: ۳۹) (تصویر ۱). دشت خوزستان امتداد دشت آبرفتی بین‌النهرین است و حوضه آبریزی به مساحت حدود ۱۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع را تشکیل می‌دهد (Kirkby 1977: 251). خوزستان از غرب به زمین‌های مردابی دجله و اروند، از شمال غرب به رشته کوه جبل حمرین و از شمال به کوه‌های زاگرس محدود می‌شود (زاگارل ۱۳۸۷: ۲۳).

خاک شمال خوزستان بیشتر ماسه‌ای و رسی است، ولی دیگر نواحی خوزستان رسوبات رودخانه‌ای از جنس رس و لوم دارد (Johnson 1973: 19)، اما دشت خوزستان اساساً متشکل از آبرفت‌های پنج رودخانه اصلی است: کرخه، دز، کارون، مارون و زهره. این دشت از نظر زیست محیطی کنام‌های گوناگونی دارد: استپ، مرداب (با آب شیرین)،



تصویر ۱. یکی از نگارندهای تنگ سروک در منطقه بختیاری خوزستان

کناره‌های رودخانه‌ای و پهنه‌های تپه ماهوری (Hole et al 1969: 10).

خوزستان در متون تاریخی

اولین کسانی که در آثارشان به خوزستان، شهرهای آن و حتی آثار باستانی آن اشاره و خواسته یا ناخواسته به باستان‌شناسی امروز کمک کرده‌اند، تاریخ‌نویسان و جغرافیایان قرون اولیه هجری اند. آثار و متونی که از آنها به دست ما رسیده منبع خوبی برای تحقیقات باستان‌شناسی است.

از خوزستان و شهرهای آن در اکثر منابع تاریخی یاد شده است، البته گاهی به نقاط و شهرهایی نیز اشاره شده که یا نام آنها تغییر کرده و یا امروزه از بین رفته و اثری از آنها دیده نمی‌شود و بی شک متون تاریخی راهگشای یافتن آنها هستند.

مهم‌ترین و کهن‌ترین اثری که در آن به خوزستان اشاره شده حدود العالم من المشرق الی المغرب (ستوده ۱۳۴۰: ۱۳۷) مربوط به سال ۳۷۲ هجری است که متأسفانه مؤلف آن گمنام باقی مانده است.

مقدسی در اواخر قرن نهم میلادی از شوش بازدید و آن را چنین توصیف می‌کند: «شهر قدیمی هرچند به صورت خرابه بوده، ولی اعتبار خود را هنوز حفظ کرده و مردم در حول و حوش آن زندگی می‌کنند» (کروران ۱۳۷۶: ۲۴۷). آثار البلاد و اخبار العباد از دیگر منابعی است که در آن به برخی آثار تاریخی خوزستان اشاره شده و در معرفی ارجان (بهبهان) توضیحاتی در مورد پل باستانی آن، تعداد طاق‌هایش و طول پل آمده است (قزوینی ۱۳۶۶: ۲۰)، همچنین به شهرهایی چون اهواز، فلاحیه (شادگان)، عبادان (آبادان) و هویزه اشاره شده است. اصطخری جغرافی‌نویس بزرگ قرن چهارم هجری، ضمن ذکر حدود خوزستان، به بعضی آثار همچون مقبره دانیال نبی در شوش و مقبره یعقوب لیث در جندی‌شاپور اشاره می‌کند (اصطخری ۱۳۶۸: ۸۹). ابن خلدون نیز با اشاره به ساخته شدن سد شادروان شوشتر به دست رومیان، ساختن آن را شرط آزادی والریانوس می‌داند. او همچنین جندی‌شاپور را در خوزستان

مکان شاهان ساسانی دانسته است (ابن‌خلدون ۱۳۸۳ج: ۱۹۲).

خوزستان و سیاحان اروپایی

آشنایی اروپاییان با ایران از قرن ۱۲ میلادی با سفر بنیامین تودلایی، خاخام یهودی آغاز شد که از اولین اروپاییانی است که نوشته‌های درباره سفرهای خود در مشرق زمین به جا گذاشته است (هرمان ۱۳۷۳: ۴). بین سال‌های ۱۱۷۳ - ۱۱۶۳ (۵۵۲ - ۵۴۳خ) برای بررسی وضع کلیمیان ده سال در ایران به سر برد و اولین کسی بود که به هنگام زیارت مقبره دانیال نبی در شوش، از تپه‌های باستانی شوش دیدن کرد و آن را همان شوشان مذکور در تورات تشخیص داد (شهمیرزادی ۱۳۸۲: ۲۶). شرح بازدید وی از شوش منبع و مأخذی است که به کرات در مورد شوش اواخر دوره عباسی از آن اقتباس و نقل قول شده است (ویت کمب ۱۳۷۶: ۲۳۹).

اما اولین کسی که به آثار باستانی ایران اشاره کرد راهب ایتالیایی، اودوریکوس، بود که در اوایل قرن ۱۴م به ایران سفر و از بقایای پایتخت هخامنشیان در تخت‌جمشید دیدن کرد (هرمان ۱۳۷۳: ۵). مسافرانی مانند کینر (۱۸۱۰-۱۸۰۸)، کرپرتر (۱۸۲۰-۱۸۱۸) و راولینسون (۱۸۳۶) نیز از ویرانه‌های شوش دیدن کرده‌اند (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۷۲).

آغاز بررسی‌های باستان‌شناختی در خوزستان

اولین بررسی و شناسایی‌های باستان‌شناختی در خوزستان با کار اوستین هنری لایارد انگلیسی شروع می‌شود، که از سال ۱۸۴۰ به مدت دو سال با پشتیبانی محمدتقی‌خان بختیاری چهارلنگ، با لباس بختیاری سراسر نواحی بختیاری را درنوردید. او چندین نگارنده ناشناخته ایلامی را در اشکفت سلمان و کول فرح و نیز نگارنده خونگ اژدر را در ایذه (تصویر ۱) و نگارنده‌های شیمبار (شیرین بهار) را در مسجد سلیمان کشف کرد و برای نخستین بار به چاپ رساند (Layard 1842: 102-9). همچنین برای اولین بار در اوایل قرن ۱۹م جان ملکم کینر و سپس لایارد با تحقیقاتی در

زمینه مکان‌یابی شهر باستانی شوش، روستای کوچک شوش دانیال در جنوب غربی ایران را همان شهر شوش باستانی معرفی کردند (Layard 1842: 102-103, Kinner 1813: 57-62).

همزمان با گشت‌وگذار لایارد در سرزمین بختیاری، در سال ۱۸۴۱م، بارون دوبود دبیر اول سفارت روسیه تزاری در تهران که با کمک او لایارد به بختیاری آمده بود، از نگارنده‌های چهارگانه تنگ سروک (تصویر ۱) در نزدیک بهبهان بازدید کرد و با طرح‌هایی آنها و نگارندگی دیگر به نام سراب بهرام را در کتابش، سفرنامه لرستان و خوزستان، معرفی کرد (مهرکیان ۱۳۷۶: ۵۶). همو نیز در ادامه سفرش ضمن توصیف زیارت مقبره دانیال و تهیه تصویری از مقبره و اطراف آن به تپه‌های باستانی شوش اشاره می‌کند (دوبود ۱۳۷۱: ۲۴۶).

متأسفانه تا به امروز اکثر نقش برجسته‌های خوزستان را باستان‌شناسان و سیاحان خارجی کشف و معرفی کرده‌اند و این نشان دهنده کوتاهی ایرانیان در این زمینه است (صراف ۱۳۸۷: ۶۶).

البته همراه با خارجیان، ایرانیان نیز بودند که به آثار باستانی و به‌خصوص نقوش برجسته خوزستان توجه می‌کردند. یکی از آنان میرزا حسن حسینی فسایی است که در کتاب خود، فارسنامه ناصری (۱۳۱۱-۱۳۰۰خ) که به دستور ناصرالدین‌شاه نوشته طرح‌هایی از نگارنده‌های تنگ سروک آورده است. همچنین میرزامحمد نصیر حسینی (فرصت‌الدوله) ۵۰ طرح از محل‌های باستانی پیش و پس از اسلام در فارس، خوزستان و کرمانشاه در کتابش، آثارالعجم به چاپ رسانده که بسیار با ارزش است (مهرکیان ۱۳۷۶: ۵۸).

در سال‌های اخیر و به همت افرادی چون جعفر مهرکیان، تلاش‌هایی به قصد شناسایی و معرفی این آثار در خوزستان صورت گرفته که مسلماً هنوز هم تعدادی از آنها ناشناخته مانده است (Mehrkiyan 2001).

شوش، اولین کاوش باستان‌شناختی خوزستان

انجام دادند ولی با توجه به اینکه فرصت بیشتری داشتند بررسی گسترده‌ای بر تمام محوطه انجام دادند و توانستند نقشه‌ای از تمام محوطه تهیه کنند که هنوز هم معتبر و مورد استفاده است.

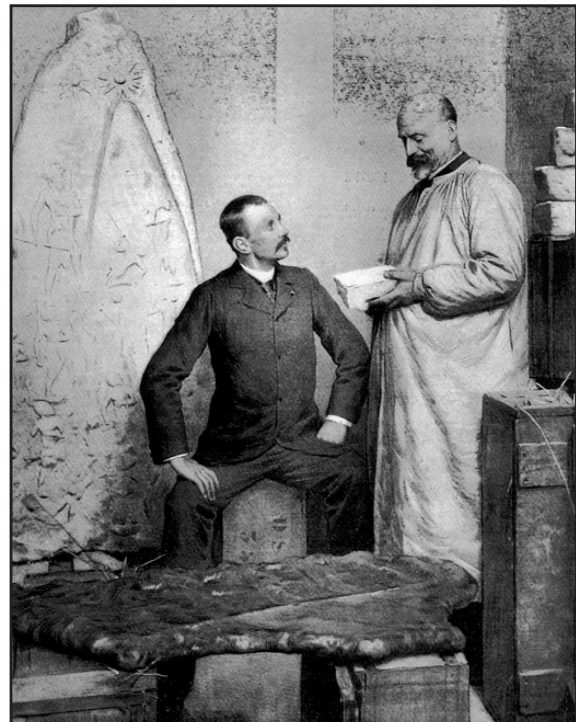
پس از دیولافوا، فرانسوی‌ها تصمیم گرفتند کاوش‌های خود را نه تنها در شوش بلکه در سراسر ایران گسترش دهند. آنها ژاک دمرگان را در مقام سرپرست کاوش‌های باستانی به شوش اعزام کردند و او در اولین اقدام با عقد قراردادی کاوش‌های شوش و در عهدنامه دوم کاوش در تمام محوطه‌های باستانی ایران را به انحصار دولت فرانسه درآورد. همچنین با استفاده از یکی از بندهای قرارداد توانست قلعه‌ای روی تپه آپادانا بنا کند. او با استخدام کارگرهای بی‌شمار کاوش را به تمام محوطه شوش به خصوص تپه آکروپل تعمیم (تصویر ۲ و ۳) و علاوه بر آن بررسی‌هایی در مازندران و کاوش‌هایی در خرگوش تپه گرگان انجام داد (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۸).

از ۱۹۲۸، رولند دومکنم جانشین دمرگان در ایران شد. او نیز به همان شیوه دمرگان کار می‌کرد و فقط در پی دستیابی به اشیاء تاریخی برای نمایش در موزه لوور بود. در سال ۱۹۴۶ گیرشمن که آموزش دیده مدرسه باستان‌شناسی لوور بود برای سرپرستی گروه فرانسوی انتخاب و در واقع با انتخاب یک باستان‌شناس گامی اساسی در علمی شدن پژوهش‌های فرانسه در ایران برداشته شد. مهم‌ترین فعالیت گیرشمن در شوش کاوش در ترانشه‌ای بود که شهر پانزدهم نام گرفته است. وی توانست ۱۵ دوره را در این ترانشه مشخص کند. گیرشمن علاوه بر کاوش‌های شوش که تا سال ۱۹۶۷ عهده‌دار آن بود، فعالیت‌های فراوانی در دیگر نقاط خوزستان نیز انجام داد که به ذکر مختصر آنها و نتایج عمده‌ای که از فعالیت‌های او به دست آمد خواهیم پرداخت.

گیرشمن در سال ۱۹۴۹ غار پیده را در شمال شرقی شوشتر کاوش کرد و علاوه بر سفال، تعدادی ابزار سنگی و استخوانی به دست آورد و آنها را مربوط به دوره نوسنگی و همزمان با دوره اول سیلیک تشخیص داد (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۶۶)، هر چند نظریات وی امروزه کاربرد چندانی ندارد و

بین سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۵۲ (۱۲۱۹-۱۲۳۱) هیئتی انگلیسی برای تعیین حدود مرز ایران و عثمانی به ایران آمد. یکی از اعضای این گروه زمین‌شناس و دانشمند علوم طبیعی به نام ویلیام کنت لفتوس بود (شهمیرزادی ۱۳۸۲: ۳۳).

وی اولین کسی بود که با درک اهمیت تپه‌های باستانی شوش نام خود را در مقام اولین کاوشگر شوش ثبت کرد. او به منظور کشف آثار باستانی در فاصله سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۵۲ در خوزستان فعالیت (لفتوس ۱۳۸۵: ۷) و کار خود را بر تپه آپادانا متمرکز کرد. تعدادی از ته‌ستون‌ها و آجرهای لعاب‌دار کاخ آپادانا را از زیر خاک بیرون آورد (لفتوس ۱۳۸۵: ۹۶) چند سال پس از رفتن لفتوس، فرانسوی‌ها جای انگلیسی‌ها را در خوزستان گرفتند. مارسل دیولافوا و همسرش پس از یک دوره گشت‌وگذار در ایران و بازدید اولیه از شوش به غنای تپه‌های باستانی آن پی بردند (دیولافوا ۱۳۷۱: ۶۸۹) و در سال ۱۸۸۳ حفاری در شوش را آغاز کردند (هرمان ۱۳۷۳: ۱۶) آنها نیز عمده فعالیت خود را در تپه آپادانا



تصویر ۲. ژاک دمرگان و پرشایل، دوتن از اولین حفاران شوش در کنار استل نارام‌سین کشف شده در شوش

ضلع جنوبی این بنا و پس از ۱۸ سال وقفه مجدداً خود او بین سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۶۷ شش فصل دیگر در این محل کاوش کرد (رضایی نیا ۱۳۸۱: ۲۸). گیرشمن همچنین در محلی دیگر در ۱۶ کیلومتری شمال شرقی مسجد سلیمان، به نام برده‌نشانده، بین سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۴ بررسی نمود (عبدی ۱۳۷۳: ۱۰۰). بعضی از ستون‌های سنگی که نقوش انسان بر روی آنها حجاری شده و به نظر می‌رسد مربوط به دوره الیمایی است و در برده‌نشانده به دست آمده در باغ موزه شوش به نمایش درآمده است. همچنین او در تپه‌های حلوی ماش و دهنو کاوش‌هایی انجام داد که متأسفانه از نتایج آنها مطلبی در دست نیست.

سرانجام نوبت به ژان پرو رسید که آخرین سرپرست هیئت فرانسوی است. البته پس از گیرشمن و در فاصله سال‌های ۶۸-۱۹۶۷ پراستو چند ماهی سرپرستی کاوش‌های شوش را عهده‌دار بود، ولی به دلیل اینکه مرکز باستان‌شناسی ایران و تشکیلات باستان‌شناسی فرانسه به دنبال فعالیت‌های علمی‌تر بودند، ژان پرو را به دلیل سابقه فراوانش در

نیازمند به بازنگری مجدد است. گیرشمن در سال ۱۹۵۰ در ایوان کرخه نیز کاوش کرد (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۶۷).

چغازنبیل

از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اکتشافات گروه‌های فرانسوی بیرون کشیدن زیگورات چغازنبیل از زیر خاک بود. این بنا را براون کارشناس نیوزیلندی شرکت نفت ایران و انگلیس هنگام پرواز بر فراز منطقه کشف کرد و گروه فرانسوی مستقر در شوش را از وجود آن مطلع ساخت. اولین بار دومکنم بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ گمانه‌هایی در چغازنبیل حفر کرد. اما کاوش‌های جدی و وسیع این محوطه از سال ۱۹۵۲ با کار گیرشمن آغاز شد (گیرشمن ۱۳۷۳)، این زیگورات تا به امروز تنها زیگورات به دست آمده در ایران است (تصویر شماره ۴).

از دیگر فعالیت‌های گیرشمن در خوزستان کاوش در بنای سرمسجد، معروف به صفة مسجدسلیمان در حاشیه شمالی این شهر است. گیرشمن ابتدا در سال ۱۹۴۸ یک فصل در



تصویر ۳. تصویری از حفاری فرانسوی‌ها در اوایل قرن بیستم در تپه آکروپل شوش

و یکی از دقیق‌ترین لایه‌بندی‌ها و لایه‌نگاری‌ها را در ایران را به انجام رساند و ۲۷ لایه را در آکروپول شناسایی کرد. پرو و دنی کانال نیز مصطبه بلند آکروپول را بررسی کردند (Le Brun 1985: 25-31).

درعین حال ژان پرو و دانیل لادیره بار دیگر کار در کاخ آپادانا را آغاز کردند و در سال ۱۹۷۰ کتیبه‌های بنیاد کاخ و در سال ۱۹۷۲ مجسمه مصری داریوش بزرگ به دست آمد (عبدی ۱۳۷۳: ۱۰۲).

از سال ۱۹۷۰ لایوس و بوشارلا با همکاری کردوانی حفاری در کاخ شاتور و مونیک کروران و کار در لایه‌های اسلامی شهر صنعتگران شوش را آغاز کردند. آلبرت هس

خاورمیانه به سرپرستی هیئت باستان‌شناسی شوش منسوب کردند (گفتگوی شخصی با میرعابدین کابلی). ژان پرو ذهنی باز داشت و با آمدن او باستان‌شناسی خوزستان وارد مرحله جدیدی شد. او با شناخت قابلیت‌های همکاران خود به بهترین شکل ممکن از آنها در بررسی‌های شوش بهره جست. این چنین بود که از سال ۱۹۶۸ ژنویو دولفوس کار در تپه‌های جعفرآباد، جوی و بندبال را آغاز کرد و چندین فصل ادامه داد. او با کاوش و لایه‌نگاری دقیق در جعفرآباد پی برد که جعفرآباد کهن‌ترین استقرار در قسمت غرب دشت است (Dollfus 1985: 11-21). از همان سال آلن لوپرن در آکروپول به بررسی و لایه‌نگاری پرداخت



تصویر ۴. عکس هوایی از معبد چغازنبیل و حصارهای اطراف آن

باکون را در خوزستان شناسایی کرد (واندنبرگ ۱۳۷۹). او تصویر نقوش برجسته تنگ سروک را، که بارون دوبود شناسایی کرده بود، برای اولین بار در کتاب خود جاده‌های قدیم ایران غربی منتشر کرد (واندنبرگ ۱۳۷۹). استین پس از کشف اشیائی از معبد شمی در ایزه، در آنجا کاوش کرد و ضمن کشف مقداری مجسمه و پیکرک دیگر پی‌ریزی‌های معبد مستطیل شکلی را به دست آورد که آتش گرفته و غارت شده بود و در میان آن قربانگاهی با آجر ساخته بودند (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۶۵).

ورود باستان‌شناسان امریکایی به خوزستان

هم‌زمان با فعالیت فرانسوی‌ها در خوزستان، امریکایی‌ها نیز از اواخر دههٔ چهل م وارد باستان‌شناسی خوزستان شدند. در ادامه شرحی از فعالیت‌های عمدهٔ آنها را در مناطق گوناگون خوزستان آورده‌ایم:

رامهرمز

در سال ۱۹۴۸ مک‌کان جلگه‌های میان کارون و کوه‌های بختیاری را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که از اهواز تا خلیج فارس آثار پیش از دورهٔ اشکانی وجود ندارد (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۶۸). مک‌کان همچنین گمانه‌هایی در تل‌گسر در رامهرمز زد و آثار مهمی، از جمله گل‌نشته‌های آغاز عیلامی، به دست آورد (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۶۸). تل‌گسر در دشت رامهرمز، از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های شرق خوزستان است، بین کوه‌های زاگرس و دشت‌های رسوبی رود کارون، بر روی مسیرهای تاریخی و مهم فلات درونی ایران و جنوب غرب ایران قرار دارد (Hansman 1972: 103). تل‌گسر از پنج تپه تشکیل شده است. در این مکان برای نخستین بار دونالد مک‌کان در سال ۱۹۴۸ (۲۸-۱۳۲۷) دست به کاوش زد، ولی گزارش نتایج کارش را جوزف کالدول در سال ۱۹۶۸ (Caldwell 1968) و همچنین توصیف بقایای آغاز عیلامی این تپه را دونالد ویتکمب در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد (ولی‌پور ۱۳۸۱: ۲۷). تل‌گسر نوعی پیوستگی سکونت را از اوروک تا لایه‌های آغاز عیلامی نشان می‌دهد. هرچند هنوز مشخص نشده که این مکان قسمتی

نیز در سال ۱۹۷۰ نیز با بررسی‌های ژئوفیزیک به اطلاعات مهمی در زمینهٔ آثار باستانی شوش و فونداسیون کاخ هخامنشی آپادانا دست یافت (عبدی ۱۳۷۳).

از مهم‌ترین ویژگی‌های سرپرستی ژان پرو استفاده از باستان‌شناسان غیرفرانسوی بود که در این میان باستان‌شناسان امریکایی همچون الیزابت کارتر و هنری رایت سهم عمده‌ای داشتند، برای مثال هنری رایت مدتی مستقلاً در آکروپل گمانه‌زنی کرد (Wright 1978).

اتفاق دیگری که در دوران ژان پرو افتاد ورود باستان‌شناسان ایرانی به این بررسی‌ها نه در مقام نمایندهٔ ایران در هیئت، بلکه در مقام همکار گروه بود. برای مثال میرعبدین کابلی در سال ۱۳۵۴ بنای هدیش را حفاری کرد و تعداد دیگری از باستان‌شناسان ایرانی همچون شهیدزاده، رحمتیان، کردوانی، آذرنوش، رهبر، خطیب‌شهیدی و روحانی با باستان‌شناسان خارجی همکاری کردند (عبدی ۱۳۷۳: ۱۰۲).

از اقدامات دیگر پرو، راه‌اندازی نشریهٔ سالانهٔ هیئت باستان‌شناسی فرانسه در ایران دافی (DAFI) در سال ۱۹۷۱ بود که ۱۵ شمارهٔ آن منتشر شده است (عبدی ۱۳۷۳: ۱۰۲). هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی نیز همهٔ فعالیت‌های باستان‌شناسی فرانسه در خوزستان و تمام ایران تعطیل گردید.

در اینجا لازم می‌دانیم چند دهه به عقب بازگردیم و به فعالیت‌های باستان‌شناسی سایر کشورها جز فرانسه نیز بپردازیم. پس از لغو قرارداد انحصاری فرانسه در ایران، این امکان برای باستان‌شناسان سایر کشورها نیز به وجود آمد که سهمی در باستان‌شناسی ایران داشته باشند.

سر اورل استین از افرادی بود که ضمن سفر به ایران فعالیت‌های باستان‌شناسی فراوانی انجام داد. او ضمن بازدید از خوزستان در سال ۱۹۳۵ در شرق بهبهان موفق به کشف بناهای ساسانی از جمله: آتشگاه چهارده نزدیک گچساران، یک چهارطاقی نزدیک دهکدهٔ خیرآباد و پل روی رودخانه و در تنگ سروک، در محلی به نام کیکاووس، یک چهارطاقی شد (واندنبرگ ۱۳۷۹: ۶۰). همچنین با گمانه‌زنی در تل‌حسنک و تل‌گورپناه در حوالی بهبهان، یک نمونه از سفال

دشت که از ارتفاعات شمالی سیاه کوه و دینارکوه سرچشمه می‌گیرند با جاری شدن به سمت جنوب تمام دشت را در بر می‌گیرند (Redding 1981: 63-70).

این سرزمین هوایی گرم با تابستان‌های خشک دارد که دما در طول روز گاه بر ۵۰ درجه سانتی‌گراد افزون می‌شود، زمستان‌ها ملایم و تا حدودی با بارش باران همراه است. این منطقه از خاستگاه‌های مهم تولید خوراک و استقرار دائم و زندگی مبتنی بر روستانشینی است (Hole et al 1962).

پیشینه بررسی‌های باستان‌شناختی در دشت دهلران

نخستین بررسی علمی باستان‌شناختی در دشت دهلران به سال ۱۹۰۳ بازمی‌گردد. در آن زمان که هیئت کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسوی در تپه شوش به سرپرستی دمرگان در حال حفاری بود، دو نفر از اعضای هیئت وی به نام‌های گوتیه و لامپر از برخی تپه‌های این دشت بازدید و در برخی از آنها اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی کردند. گزارش این گمانه‌زنی‌ها منتشر شده است (ملک‌شهمیرزادی ۱۳۸۲).

سپس در سال ۱۹۶۰، رابرت بریدوود مدیر طرح پیش‌ازتاریخ دانشگاه شیکاگو به همراه ریچارد داوسون از دشت دهلران بازدید کرد و با توجه به شرایط خاص زیست‌محیطی، تپه محمدجعفر را برای بررسی در مورد تولید غذا و آغاز استقرار، مناسب تشخیص داد (Braidwood 1961: 3-7).

در سال ۱۹۶۱ فرانک هول و کنت فلانری دو تن از شاگردان مکتب بریدوود از دانشگاه رایس به محل آمدند و علاوه بر بررسی باستان‌شناختی مختصر، در برخی از تپه‌های مهم این دشت مانند تپه علی‌کش و تپه سبز اقدام به کاوش کردند (Hole et al 1962). در این پروژه برای اولین بار برای یافتن ابزار و استخوان حیوانات و همچنین دانه‌های گیاهی از روش شناورسازی استفاده شد که نتایج جالب توجهی در پی داشت. مجدداً این فعالیت‌ها در سال ۱۹۶۹ با حفاری فرانک هول در تپه چغاسفید ادامه پیدا کرد. علاوه بر آن، طی این برنامه جیمز نیلی به بررسی باستان‌شناختی دشت دهلران پرداخت (Hole et al 1969). در سال ۱۹۶۹

از یک نظام استقراری منطقه‌ای بوده یا نه، زیرا در بررسی منطقه هیچ مکان دیگری با سفال‌های چندرنگ اوروک جدید یا جم‌دت نصر/ آغاز عیلامی شناسایی نشده است (Alden 1982). در اواسط سال ۱۹۶۰ به دنبال تسطیح بخش‌هایی از تل بُرمی یکی از مهم‌ترین محوطه‌های عیلامی دشت رامهرمز، علی‌اکبر سرفراز از مؤسسه باستان‌شناسی یک ترانسه آزمایشی در این محوطه ایجاد کرد (سرفراز ۱۹۶۰).

هنری رایب و الیزابت کارتر در سال ۱۹۶۹ غربی‌ترین بخش دشت رامهرمز، در غرب رود اعلا، را بررسی و پس از ۳۴ سال گزارشی کوتاه از بررسی دشت رامهرمز در شش‌نامه ویلیام سامنر منتشر کردند (Wright & Cart-er 2003). هدف اولیه این بررسی به دست آوردن درک روشن‌تر از استقرارهای مناطق پیرامون دشت شوشان بود و در این میان به استقرارهای هزاره چهارم و سوم پم یعنی نخستین دوران شکل‌گیری حکومت‌های اولیه و توسعه نهادهای اقتصادی و سیاسی توجه ویژه داشتند. محدوده بررسی رایب و کارتر به بخش غربی رودخانه اعلا محدود می‌شد و به دلیل طغیان رودخانه نتوانستند در بخش شرقی دشت بررسی کنند. گوشه‌های شمال غربی دشت و شمال و غرب تل گیسر نیز جزو منطقه بررسی آنها نبود.

دهلران

دشت دهلران، هر چند امروزه از لحاظ سیاسی خارج از استان خوزستان واقع شده، در ادوار باستان از نظر فرهنگی با خوزستان پیوند داشته و به همین دلیل لازم می‌دانیم در این نوشتار به بررسی‌های این منطقه نیز بپردازیم.

دشت دهلران با حدود ۹۴۰ کیلومتر وسعت و ارتفاعی بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر از سطح دریا، شمال غربی‌ترین قسمت خوزستان را تشکیل می‌دهد که امروزه از نظر تقسیمات سیاسی جزو استان ایلام است. این دشت کوچک رسوبی از جنوب به بلندی‌های جبل حمرین و به مرز عراق و از شمال به ارتفاعات زاگرس (سیاه کوه) متصل است (Kirkby 1977, Kirkby & Kirkby 1969, Redding 1981).

دو رودخانه دائمی میمه و دویرج در نیمه غربی و شرقی

هلن کنتور و پینه‌هاوس دل‌گاز برعهده داشتند (Delougaz and Kantor 1996). از نتایج مهم این پروژه دستیابی به لایه‌های تمام ادوار پیش‌ازتاریخ دشت شوشان، از شوشان عتیق تا دوره آغاز نگارش بود که قبلاً به شکل پراکنده در سایر محوطه‌ها شناسایی شده بود. همچنین از نکات مهم این پروژه حضور چشم‌گیر باستان‌شناسان ایرانی همچون عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک‌شهمیرزادی بود و سرانجام پس از گذشت سال‌ها از کاوش‌های چغامیش، گزارش آن را در دو جلد عباس علیزاده به چاپ رساند (Ali-zadeh 1996, 1997).

حفاری چغابنوت نیز از کاوش‌های بسیار مهمی بود که در دو فصل هلن کنتور انجام داد و به شناسایی یکی از کهن‌ترین استقرارهای جنوب غرب ایران منجر شد. گزارش این کاوش‌ها را نیز عباس علیزاده در سال ۱۹۹۶، به همراه یک فصل کاوش خودش به چاپ رسانده است (Alizadeh 2003).

بررسی‌های عمده در خوزستان

رابرت مک‌آدامز بین سال‌های ۱۹۶۰-۶۱ با بررسی گسترده در دشت شوشان، دوره پژوهشی جدیدی را آغاز کرد. وی نتایج بررسی خود را در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۲ با عنوان «کشاورزی باستان و زندگی شهرنشینی در جنوب غرب ایران» منتشر کرد (Adams 1962). اما نتایج بیشتر کارهای او منتشر نشده است. موضوع مهم در بررسی آدامز روشی است که برای بررسی به کار گرفته است. پس از بررسی آدامز، دومین مجموعه بررسی‌ها با رهیافت مسئله‌محور در مناطقی از دشت خوزستان متمرکز شد که تاحدودی آدامز پوشش داده بود. این بررسی‌ها با کار هنری رایب در منطقه شوشتر و گتوند و خوزستان شرقی شروع شد. رابرت شاخت این کار را در جنوب هفت‌تپه ادامه داد (Schacht 1976). چند سال بعد حسن طلایی در منطقه دیمچه بررسی کرد (طلایی ۱۹۷۸). سایر بررسی‌ها نیز با رهیافت جغرافیا محور در شوش و هفت‌تپه زیر نظر عزت‌الله نگهبان و ژان پرو صورت گرفت (مقدم ۱۳۸۴: ۱۸). تا سال ۱۹۷۳ اکتشافات مکان‌های باستانی از یک طرف و تخریب سریع آنها در

بار دیگر دشت دهلران زیر نظر جیمز نیلی و هنری رایب بررسی علمی و سیستماتیک شد (Wright 1969).

کاوش در محوطه فرخ‌آباد را در سال ۱۹۶۸ هنری رایب آغاز و مشخص کرد که استقرار در این محوطه از هزاره پنجم پم آغاز شده و با وقفه‌ای در هزاره سوم تا هزاره اول پم ادامه پیدا کرده است (Wright 1969: 172). تپه موسیان نیز که قبلاً در اوایل قرن ۲۰ فرانسوی‌ها آن را کاوش کرده بودند، مجدداً در سال ۱۹۶۳ زیر نظر فرانک هول کاوش شد (Hole et al 1969: 65-72).

اما یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین استقرارهای فصلی دشت شوشان را فرانک هول در تپه‌توله‌ای (تولایی) حفاری کرد. توله‌ای تپه‌ای ست پیش‌ازتاریخی در ۱۵ کیلومتری جنوب شهرستان اندیمشک که در سال ۱۹۷۳ فرانک هول آن را حفاری کرد و قدمت آن به ۵۹۰۰-۶۲۰۰ پیش‌ازتاریخ می‌رسد (Hole 1974: 219).

ایذه

دشت ایذه که قبلاً لایارد از آن مورد بازدید کرده بود، در سال ۱۹۶۷ زیر نظر هنری رایب و گروهش که اکثراً ایرانی بودند بررسی کامل شد. حاصل کار شناسایی ۱۸۰ محوطه بود (Wright 1967: 5-33)، در واقع این بررسی برنامه‌ای آموزشی بود که با همکاری مرکز ایرانی پژوهش‌های باستان‌شناختی به سرپرستی هنری رایب برگزار شد (هول ۱۳۸۱: ۱۲۹).

دشت گل را نیز در فوریه سال ۱۹۷۵ هنری رایب و یحیی ووثری به مدت چهار روز بررسی کردند (Wright & Kos 1979: 1). دشت ایوه نیز در فوریه سال بعد زیر نظر رایب و یغمایی بررسی شد (Wright & yaghmai 1979: 19). آن‌ها موفق شدند محوطه‌هایی از دوران پارینه‌سنگی و فراپارینه‌سنگی را برای اولین بار در خوزستان شناسایی کنند.

از مهم‌ترین پروژه‌های باستان‌شناسی امریکایی‌ها در خوزستان، برنامه کاوشی بود که در شرق دشت شوشان، در جنوب دزفول و در تپه چغامیش اجرا شد. سرپرستی کاوش‌های چغامیش را، که جمعاً یازده فصل به طول انجامید،

جریان گسترش فعالیت‌های کشاورزی، باعث شد تا لزوم صورت‌برداری فشرده‌تر و مستندسازی محوطه‌های باستانی دشت خوزستان آشکارتر شود. این کار را سعید گنجوی، هنری رایت و رابرت ونکه انجام دادند. این افراد اطلاعات در دسترس را بررسی و بررسی مجدد روشمندان را در کل دشت آغاز کردند. قسمت اعظم کارهای میدانی این پروژه را ونکه انجام داد. او از عکس‌های هوایی برای شناسایی، مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات بیش از ۱۰۰۰ مکان باستانی در دشت استفاده کرد (Wenke 1975). در ادامه نیز هانس نیسن و چارلز ردمن در دشت بهبهان بررسی‌هایی انجام دادند (Nissen & Redman 1971).

فعالیت‌های عمده باستان‌شناسان ایرانی پیش از انقلاب اسلامی

هر چند در ابتدای قرن بیستم سرپرستی کاوش‌های باستان‌شناسی با خارجی‌ها بود و ایرانی‌ها فقط سمت نماینده دولت ایران را در این هیئت‌ها داشتند، رفته رفته همین نمایندگان نیز دست به فعالیت‌هایی زدند. یکی از این افراد جمشید اونووالا از پارسیان مقیم هند بود که در سال ۱۹۲۸ تپه بولحیه در ۳ کیلومتری جنوب شوش را کاوش کرد (محمدی‌فر ۱۳۸۷: ۱۵۰).

اما اولین و مهم‌ترین فعالیت باستان‌شناسان ایرانی پیش از انقلاب در خوزستان کاوش در محوطه باستانی هفت تپه به سرپرستی عزت‌الله نگهبان بود، که در سال ۱۳۴۴ آغاز شد و دوازده فصل به طول انجامید (نگهبان ۱۳۷۲). کاوش در محوطه هفت تپه، که مربوط به دوران عیلام میانه است، زوایای پنهان فراوانی را از تاریخ این دوره روشن کرد. از مهم‌ترین یافته‌های این کاوش‌ها علاوه بر گورهای دسته‌جمعی سلطنتی لوحه‌های گلی به خط اکدی است. اما دستاورد مهم‌تر بررسی‌های هفت تپه ورود جمع کثیری از دانشجویان ایرانی این رشته به جامعه باستان‌شناسی آن زمان بود که بعدها هر کدام از آن‌ها به باستان‌شناسان سرشناسی بدل شدند و همان‌ها پس از انقلاب و رفتن باستان‌شناسان خارجی چراغ راه باستان‌شناسی ایران را روشن نگه داشتند.

علاوه بر این تعداد زیادی از باستان‌شناسان ایرانی پایه‌پای باستان‌شناسان خارجی در فعالیت‌های گوناگون فعالانه شرکت کردند. همان گونه که اشاره کردیم با قرار گرفتن ژان پرو در رأس هیئت باستان‌شناسی شوش افرادی مانند کابلی، رهبر، کردوانی و آذرنوش در مقام باستان‌شناس در این هیئت فعالیت کردند. در زمینه بررسی نیز ایرانیان عرصه را خالی نگذاشتند، برای نمونه سعید گنجوی بررسی گسترده‌ای طی سال‌های ۵۲-۱۳۵۱ در شمال خوزستان در منطقه‌ای بین شهرهای دزفول و هفت تپه انجام داد (گنجوی ۱۳۵۲) و گزارش‌های آن را در اولین، دومین و سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران به چاپ رساند (گنجوی ۱۳۵۲، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴).

باستان‌شناسی خوزستان پس از انقلاب اسلامی

با خروج باستان‌شناسان خارجی پس از انقلاب اسلامی ایران باستان‌شناسی خوزستان تا چندین سال کاملاً راکد ماند. احتمالاً اولین رویداد مهم از منظر باستان‌شناسی در خوزستان پس از انقلاب، کشف گنجینه ارجان در بهبهان است (تصویر ۵).

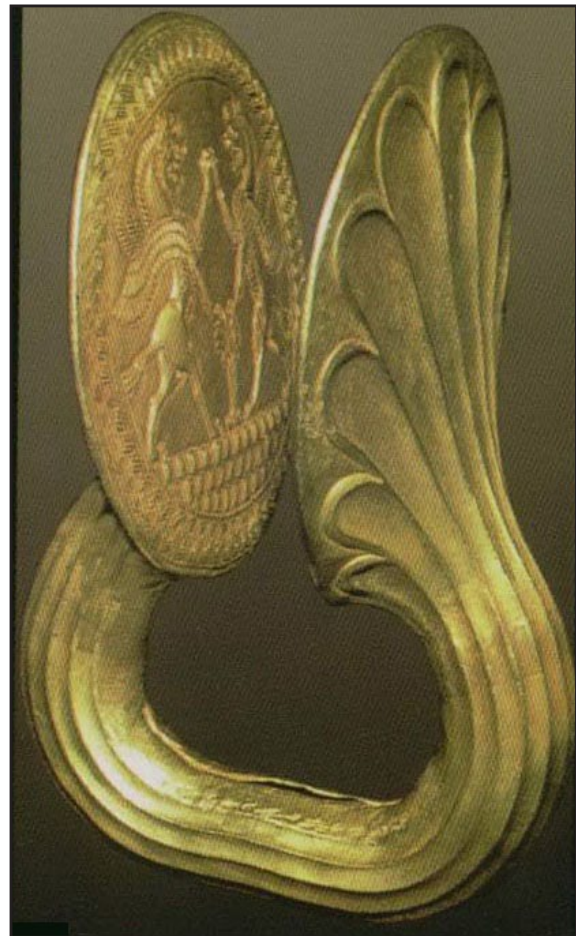
این گنجینه در زمستان ۱۳۶۱ از درون آرامگاهی عیلامی، به شکل تصادفی، به دست آمد. ابتدا خلیلی و توحیدی برای شناسایی اشیاء درون آرامگاه اعزام شدند و آنها را به تهران منتقل کردند (وطن‌دوست ۱۳۶۷: ۷۲). سپس گروهی به سرپرستی اسماعیل یغمایی برای کاوش مستمر به محل اعزام شدند (وطن‌دوست ۱۳۶۷: ۷۲). بعدها تعدادی از پژوهشگران به بررسی هر کدام از اشیاء به دست آمده به شکل جداگانه پرداختند. نخستین مقاله را در این مورد رسول وطن‌دوست منتشر کرد و طرحی از جام ارجان را در معرض دید همگان قرار داد. فرانسوا والا بر اساس کتیبه موجود بر روی دسته یک حلقه طلایی که همراه جام به دست آمده، آرامگاه را به دوره عیلام نو نسبت داد (Vallat 1984). یگانه بودن تزیینات جام ارجان در تاریخ عیلام‌شناسی، محمدرحیم صراف را نیز بر آن داشت تا مقاله‌ای تحلیلی درباره آن بنویسد (صراف ۱۳۶۸: ۴).

انجام داده‌اند، عباس علیزاده است. او که قبل از انقلاب اسلامی نیز در کنار هلن کنتور در خوزستان حضور داشت، پس از انقلاب اسلامی نیز به قصد پیگیری بررسی‌های قبلی و پژوهش‌های جدید، در خوزستان فعالیت‌های فراوانی کرد. از مهم‌ترین فعالیت‌های او ادامه کاوش در چغابنوت بود که با وقوع انقلاب اسلامی نیمه‌کاره مانده بود. او نتیجه گرفت که چغابنوت مراحل اولیه اهلی کردن گیاهان و حیوانات را می‌گذرانده است. او گزارش این کاوش را همراه با دو فصل کاوش قبل از انقلاب به چاپ رسانده است. وی در مکان‌هایی چون چغادوسر و بلادیه (Alizadeh et al 2004/5) و یک فصل نیز در تپه ابوفندوا کاوش کرد که قبلاً نگهبان آن را بررسی کرده بود، کاوش کرد (تصویر ۶). هدف او از کاوش در تپه‌های چغادوسر و بلادیه، شناخت چگونگی تعامل انسان با محیط زیست بود که، با حضور نیافتن گروه باستان‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی دانشگاه شیکاگو، این طرح نیمه‌تمام ماند. همچنین هدف او از کاوش در ابوفندوا تصحیح تاریخ‌گذاری دوره اوروک بود، چرا که جانسون ابوفندوا را مرکز اوروک قدیم معرفی کرده بود و با بررسی‌های عباس علیزاده مشخص شد که استقرار دوره اوروک قدیم در ابوفندوا بیش از یک هکتار نبوده و این تپه از دوره اوروک جدید مسکون شده است. در شهریورماه سال ۱۳۸۵ هیئت مشترک پژوهشکده باستان‌شناسی و مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی عباس علیزاده با بررسی باستان‌شناختی زیست‌محیطی دشت رامهرمز به منظور شناسایی محوطه‌های اقماری تل گیسر توسط ، اطلاعاتی از شرایط اقتصادی و بقایای باستان‌شناختی و شرایط زیست‌محیطی در دشت رامهرمز به دست آورد و همچنین چند تپه باستانی جدید را شناسایی و با درج موقعیت جغرافیایی به فهرست تپه‌های باستانی دشت رامهرمز اضافه کرد (علیزاده ۱۳۸۵).

داده‌های حاصل از این بررسی و بررسی‌های گذشته به شناسایی تحول جمعیتی در دوران‌های گوناگون سکونتی کمک می‌کند و بر اساس آن‌ها می‌توان به نوسان‌های جمعیتی در هر دوره خاص مانند شوشان متأخر، آغاز نگارش و آغاز عیلامی پی برد (علیزاده ۱۳۸۵). بر اساس

اما مستمترترین کاوش در خوزستان، حفاریات میرعابدین کابلی در شوش بود. او که پیش از انقلاب نیز همراه با گروه فرانسوی در شوش فعالیت می‌کرد، جبهه غربی آپادانا را انتخاب کرد تا بتواند وضعیت تختگاه آپادانا و دیواره آن را روشن کند. او سرانجام پس از یازده فصل کاوش که تا سال ۱۳۸۴ به طول انجامید، توانست ابعاد دیواره غربی تختگاه آپادانا را مشخص کند. همچنین موفق به کشف دروازه‌ای در گوشه شمال غربی تختگاه شد و روشن کرد که به رغم تصور فرانسوی‌ها مبنی بر اینکه دروازه موجود در شرق کاخ و دروازه اصلی بوده، دروازه ورودی در گوشه شمال غربی قرار داشته و دروازه شرقی دروازه خروجی بوده است (کابلی ۱۳۷۸: ۲۴۱-۲۶۱).

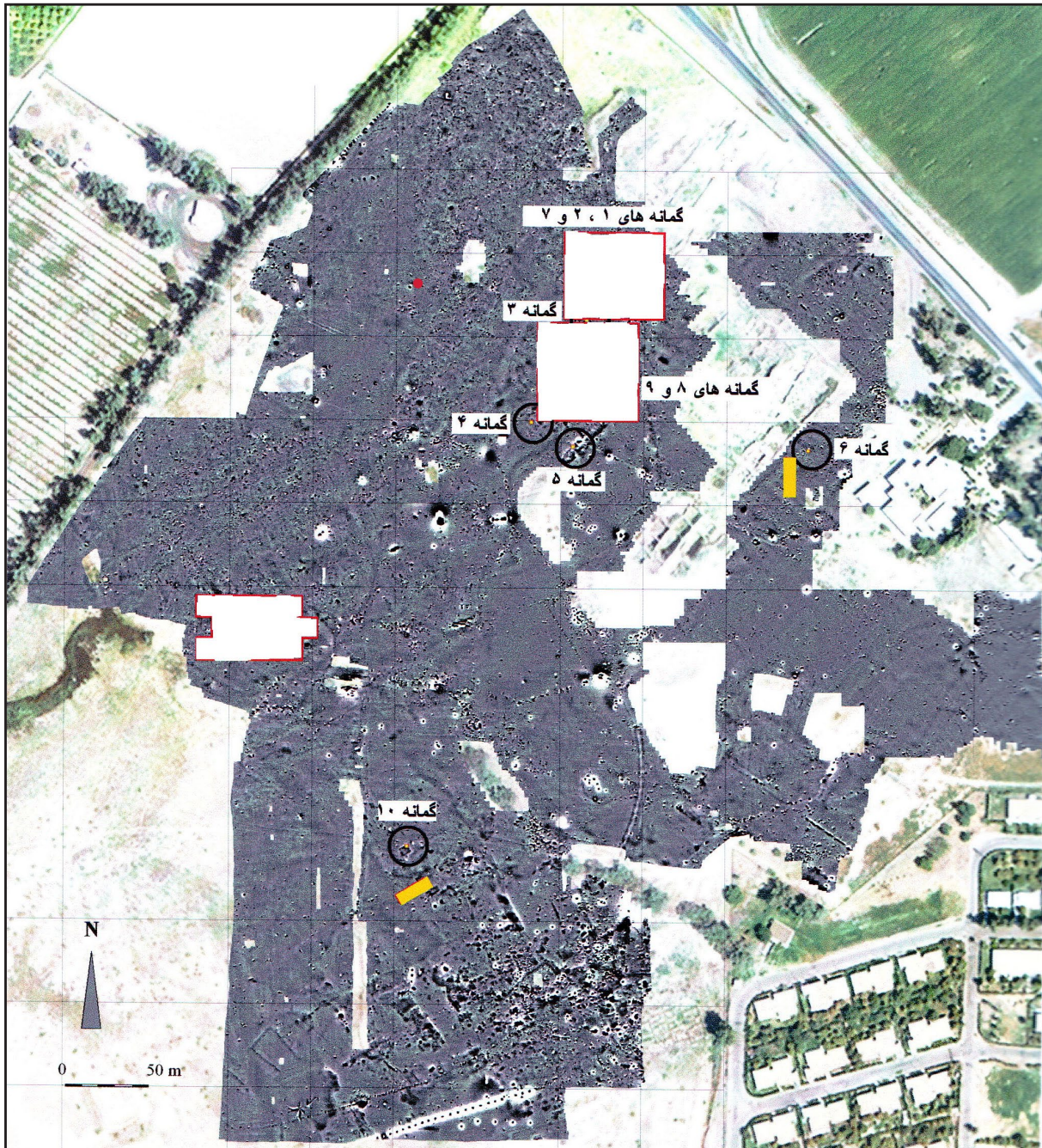
از دیگر افرادی که بررسی‌های دامنه‌داری در خوزستان



تصویر ۵. یکی از اشیاء طلایی گنجینه ارجان

شهرک‌ها و دهات کوچک‌شان در امتداد راه‌های اصلی آبی است (علیزاده ۱۳۷۱: ۳۷). نتیجه مهم دیگر این بود که به‌رغم مسکون بودن شمال خوزستان از حدود ۸ هزار سال پ.م، جنوب این منطقه اول بار در دوران اشکانی/ سلوکی

پژوهش‌های پیشین، مانند داده‌های حاصل از بررسی گرملیزا، به ترسیم الگوهای استقرار دشت شوشان پرداخت (علیزاده ۱۳۸۲). او به این نتیجه رسید که الگوی اسکان این منطقه نشان‌دهنده وجود چندین شهر بزرگ با



تصویر ۶. بخش شرقی محوطه هفت‌تپه، مستطیل‌ها و مربع‌های سفید محل‌هایی را نشان می‌دهد که بررسی‌های ژئوفیزیک در آن‌جا انجام شده است (مفیدی ۱۳۸۳)

دست به تاراج آثار و اشیاء بسیار ارزشمند فرهنگی این آرامگاه بزنند. یک هفته پس از این رخداد هیئتی زیر نظر پژوهشکده باستان‌شناسی به محل اعزام و کاوش اضطراری و نجات‌بخشی منطقه آغاز شد و گروه کاوش به سرپرستی آرمان شیشه‌گر موفق شد انبوهی از آثاری را که از چشم غارتگران به دور مانده بود نجات دهد و مستندنگاری آنها را آغاز کند (تصویر ۷). به طور کلی این آرامگاه با استناد به نوشته‌ای میخی به نام شوتور نهونته پسر ایندد روی یکی از حلقه‌های زرین موجود در مجموعه، به اواخر دوران عیلام نو (۶۴۴ تا ۵۳۹ پم) تعلق دارد. از این آرامگاه اشیاء زرین فراوانی به دست آمده است (تصویر ۸).

از مهم‌ترین رویدادهای باستان‌شناختی سال‌های اخیر در خوزستان کشف محوطه پارینه‌سنگی در حوزه رود کرخه است. در تابستان ۱۳۸۷ در بررسی هیئتی به سرپرستی محمد شیخ از میراث خوزستان در حاشیه رود کرخه، که نگارندگان نیز در آن عضویت داشتند، ابزار پارینه‌سنگی به دست آمد. براساس نظر متخصصانی چون فریدون بیگلری و حامد وحدتی‌نسب ابزارهای به‌دست‌آمده مربوط به همه ادوار عصر سنگ از پارینه‌سنگی قدیم تا جدید است. از

مسکون شده است (Alizadeh 1985).

علاوه بر این‌ها فعالیت‌های دیگری نیز در این سال‌ها صورت گرفته که به اهم آنها اشاره می‌کنیم. بهزاد مفیدی با پیگیری کاوش‌های هفت تپه و بررسی‌های ژئوفیزیک با همکاری دانشگاه ماینز آلمان (مفیدی ۱۳۸۳: ۱) دست به بررسی‌های گسترده‌ای زد و سعی کرد شناخت بیشتری از ساختار شهر عیلامی کبنک (هفت‌تپه) به دست آورد. او گل‌نبشته‌های فراوانی را به زبان اکدی از زیر خاک بیرون کشید که به روشن شدن وضعیت دوره عیلام میانه کمک خواهد کرد.

مهدی رهبر از دیگر باستان‌شناسانی است که در خوزستان کار کرده است. از فعالیت‌های او کاوش در محوطه‌های دستوا و گلالک در شوشتر، محوطه باستانی کنار جاده اندیمشک و قلعه صالح‌آباد و محوطه الیمایی صالح داوود است (رهبر ۱۳۷۸).

در نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵ هنگام عملیات لوله‌گذاری سازمان آب و فاضلاب استان خوزستان و حفر کانال در محوطه باستانی جوبجی رامهرمز، یک آرامگاه عیلام نو به شدت آسیب دید و انگیزه‌ای برای افراد سودجو شد تا



تصویر ۷. اعضای هیئت نجات‌بخشی جوبجی در حال مستندنگاری بقایای تابوت‌های آرامگاه

چغامیش و چغابنوت نمایندگان آن بودند. بالاخره مکتب سوم را، که آن را نیز می‌توان انسان‌شناسی - باستان‌شناسی دانست، شاگردان رابرت بریدوود در کاوش‌ها و بررسی‌های تپه‌های علی‌کش، چغاسبز و چند محل دیگر رواج دادند. این کار را در دهلران فرانک هول آغاز کرد و سپس هنری رایت، جانسون و دیگران به سایر مناطق خوزستان تسری دادند. باستان‌شناسان ایرانی همچون نگهبان نیز که در هفت‌تپه و ابوفندوا حفاری می‌کردند، از نظر توصیف یافته‌ها پیرو مکتب شیکاگو بودند. باستان‌شناسی پس از انقلاب خوزستان نیز در دهه‌های اخیر و با ورود تکنیک‌های جدیدی همچون ژئوفیزیک که امکان شناخت سریع ساختار محوطه‌ها را فراهم می‌کند، در حال ورود به مرحله‌ی جدیدی است.

مشکلی که در این میان نمود فراوان دارد، منتشر نشدن گزارش فعالیت‌های فراوانی است که در خوزستان صورت گرفته است. از هشتاد سال حضور فرانسوی‌ها غیر از یکی دو دهه‌ی آخر حضورشان، کمترین اطلاعات را در اختیار داریم، حتی گیرشمن جز در مورد چغازنبیل، چندان اطلاعی از فعالیت‌هایش به‌خصوص در شوش برای ما به جا نگذاشته

مهم‌ترین نتایج این بررسی تغییر دیدگاه‌ها در مورد دوران نوسنگی خوزستان و خاستگاه آن است؛ همچنین بی‌شک در صورت انتشار نتایج علمی این بررسی گاهنگاری موجود در خوزستان تغییر فراوانی خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

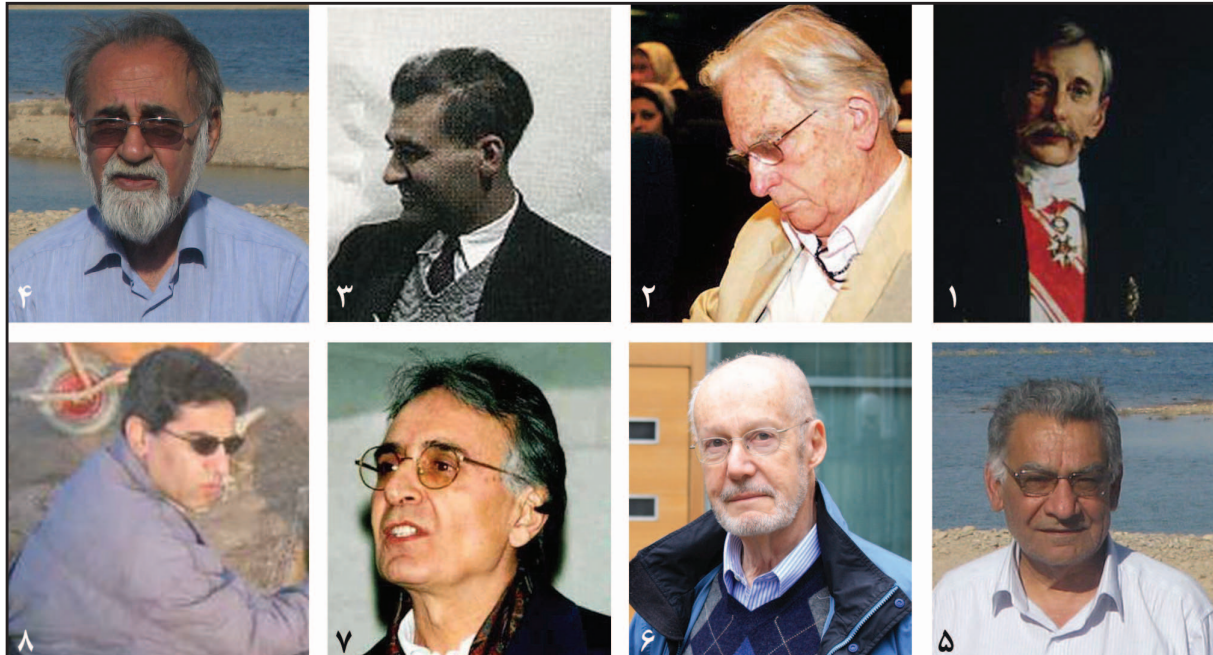
کاوش‌های اوایل قرن ۲۰ صرفاً به منظور کشف آثار ارزشمند برای قرار دادن در موزه‌ها انجام می‌شد و نام پژوهش بر آنها سنگینی می‌کند؛ ولی با همان کاوش‌ها دوران طفولیت باستان‌شناسی ایران طی شد که دیر یا زود باید طی می‌شد. اما از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ م با علمی‌تر شدن این کاوش‌ها، سه مکتب باستان‌شناسی به موازات هم در خوزستان جریان داشت. از این سه مکتب یکی فرانسوی بود که با شروع کار ژان پرو از مکتب سنتی فرانسوی در ایران فاصله‌ی زیادی گرفت و مکتب جدیدی به‌وجود آمد که ترکیبی بود از بررسی‌های باستان‌شناسی و انسان‌شناسی. دیگری مکتب مؤسسه‌ی شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو بود که سابقه‌ی چند دهه کار میدانی در بین‌النهرین و به‌ویژه در منطقه‌ی دیاله را داشت و دلوگاز و هلن کنتور در تپه‌های



تصویر ۸. تعدادی از اشیاء زرین به‌دست‌آمده در آرامگاه جوبجی (شیشه‌گر ۱۳۸۶)

به دست آمده به حل مشکلات باستان‌شناسی در خوزستان کمک خواهد کرد.

است. البته این وضعیت پس از انقلاب اسلامی نیز متأسفانه ادامه دارد و بخش پژوهشی میراث خوزستان فاقد هرگونه آرشیو در این زمینه است. در حالی که انتشار سریع نتایج



تصویر ۹. برخی از باستان‌شناسانی که در خوزستان فعالیت کرده‌اند: ۱. ژاک دمرگان، ۲. ژان پرو، ۳. عزت‌الله نگهبان، ۴. میرعابدین کابلی، ۵. مهدی رهبر، ۶. فرانک هول، ۷. عباس علیزاده و ۸. بهزاد مفیدی.

جدول مربوط به فعالیت‌های باستان‌شناسی در خوزستان				
پژوهشگر	محل فعالیت	تاریخ	کشور	نوع فعالیت
هنری لایارد	ایذه	۱۸۴۶	امریکا	بررسی
لفتوس	شوش - آپادانا	۱۸۴۹-۵۲	انگلیس	کاوش
دیولافوا	ایوان کرخه	۱۸۸۴-۸۵	فرانسه	کاوش
دیولافوا	شوش	۱۸۸۵-۸۹	فرانسه	کاوش
دمرگان	شوش	۱۸۹۷-۱۹۱۲	فرانسه	کاوش
ژکیه	مال‌امیر بختیاری	۱۹۰۱	فرانسه	کاوش
ونسان شایل	مال‌امیر بختیاری	۱۹۰۱	فرانسه	کاوش
گوتیه و لامپر	تپه موسیان	۱۹۰۳	فرانسه	کاوش
گوتیه و لامپر	تپه خزینه	۱۹۰۳	فرانسه	کاوش
ژکیه	شوش	۱۹۰۵	فرانسه	کاوش
گوتیه و لامپر	دهلران	۱۹۰۵	فرانسه	بررسی
گوتیه و لامپر	تپه مرادآباد	۱۹۰۵	فرانسه	کاوش
گوتیه و لامپر	تپه خزینه	۱۹۰۵	فرانسه	کاوش
دومکنم	دویسیه	۱۹۲۳	فرانسه	کاوش
دومکنم	جوی	۱۹۲۳	فرانسه	کاوش

کاوش	فرانسه	۱۹۱۲-۳۹	شوش	دومکنم
کاوش	از پارسیان هند	۱۹۲۸	تپه بولحیه	جمشید اونووالا
کاوش	فرانسه	۱۹۲۸	جعفرآباد	دومکنم
بررسی	آلمان	۱۹۲۹	تنگ بتان (شوشتر)	هرتسفلد
کاوش	آلمان	۱۹۲۹	شیمبار شوشتر	هرتسفلد
کاوش	فرانسه	۱۹۳۰	بندبال	لوبر تون
کاوش	فرانسه	۱۹۳۰	بندبال	دومکنم
کاوش	فرانسه	۱۹۳۰	تنگ بتان	دهالا
کاوش	فرانسه	۱۹۳۰-۳۴	جوی	لوبر تون
کاوش	فرانسه	۱۹۳۳-۳۶-۳۸	بوهلان	دومکنم
کاوش	فرانسه	۱۹۳۳-۳۹	تپه بوهلان	دومکنم
کاوش	فرانسه	۱۹۳۴-۳۶	شوش	لوبر تون
کاوش	انگلیس	۱۹۳۵	تل حسنک و تل گورپیا - بهبهان	استین
بررسی	انگلیس	۱۹۳۵-۳۶	بهبهان، باغ ملک، ایذه	استین
کاوش	انگلیس	۱۹۳۶	مال امیر بختیاری	استین
کاوش	فرانسه	۱۹۳۶-۳۹	چغازنبیل	دومکنم
بررسی و گمانه زنی	انگلیس	۱۹۴۰	چهارده فهلیان، کیکاووس فهلیان، تنگ سروک بهبهان، مال امیر بختیاری و پای پل	استین
بررسی	فرانسه	۱۹۴۲	ایذه	دبواز
کاوش	فرانسه	۱۹۴۲	هونگ نوروزی، مال امیر	دبواز
کاوش	فرانسه	۱۹۴۶-۱۹۶۷	شوش	گیرشمن
بررسی	انگلیس	۱۹۴۷	دشت خوزستان	هانسمن
بررسی	امریکا	۱۹۴۸	جنوب و شرق خوزستان (بین اهواز و خلیج فارس)	مک کان
کاوش	فرانسه	۱۹۴۹	ایوان کرخه	گیرشمن
کاوش	امریکا	۱۹۴۹	تل گسر	مک کان
کاوش	فرانسه	۱۹۴۹	برده نشانده	گذار
بررسی		۱۹۵۰	شمال شرق خوزستان	فیلد
کاوش	فرانسه	۱۹۵۰	ایوان کرخه	گیرشمن
کاوش	فرانسه	۱۹۵۰	حلولی ماش - شوش	گیرشمن
کاوش	فرانسه	۱۹۵۰	برده نشانده	گیرشمن
کاوش	فرانسه	۱۹۵۱-۱۹۶۲	چغازنبیل	گیرشمن
بررسی	بلژیک	۱۹۵۲	دهلران	واندنبرگ
بررسی	امریکا	۱۹۵۲-۶۶	دشت شوشان	گرملیزا
بررسی	بلژیک	۱۹۵۳	دهلران	واندنبرگ
بررسی	امریکا	۱۹۶۰-۶۱	دشت شوشان	مک آدامز
بررسی	امریکا	۱۹۶۱	دهلران	فرانک هول و فلانری
بررسی و گمانه زنی	فرانسه	۱۹۶۱-۶۲	دهنو	گیرشمن
کاوش	فرانسه	۱۹۶۱-۱۹۶۷	برده نشانده	گیرشمن
کاوش	امریکا	۱۹۶۱-۷۸	چغامیش	کنتور و دلوگاز
کاوش	امریکا	۱۹۶۲	مال امیر	والتر هینس
بررسی و گمانه زنی	امریکا	۱۹۶۲-۶۳	مال امیر، هونگ کماوند و قلعه تل	والتر هینس
بررسی	امریکا- بلژیک	۱۹۶۲-۶۳	ایذه - مسجد سلیمان	والتر هینس و واندنبرگ

بررسی	بلژیک	۱۹۶۳	مال امیر، هونگ نوروزی، بیدزرد	واندنبرگ
کاوش	انگلیس	۱۹۶۳	شمی	استین
کاوش	امریکا	۱۹۶۳-۱۹۷۸	تپه چغامیش	هلن کنتور و پیر دلوگاز
بررسی		۱۹۶۴	دشت شیمبار	بیوار و شیگر
بررسی	فرانسه	۱۹۶۴-۶۵	هفت‌تپه	گیرشمن
کاوش	فرانسه	۱۹۶۵-۶۶	هفت‌تپه	گیرشمن
بررسی		۱۹۶۵-۶۶	خداشاران بهبهان	ژ. گوهن
بررسی	فرانسه	۱۹۶۵-۶۹	سرمسجد	گیرشمن
بررسی	ایران	۱۹۶۶	ایذه	سرفراز
کاوش	ایران	۱۹۶۶-۶۷	ابوفندوا	نگهبان
کاوش	ایران	۱۹۶۶-۸۰	هفت‌تپه	نگهبان
کاوش	امریکا	۱۹۶۷	علی‌کش	هول و فلانری
کاوش	امریکا	۱۹۶۷-۶۸	فرخ‌آباد	هنری رایت
کاوش	امریکا	۱۹۶۸	تپه سبز	هول و فلانری
کاوش	امریکا	۱۹۶۸	تل‌گسر	کالدول
بررسی	امریکا	۱۹۶۸	دهلران	فرانک هول
بررسی	بلژیک	۱۹۶۸	کوه تینا (شوستر) و کوه تراز	واندنبرگ
کاوش	امریکا	۱۹۶۸	جندی‌شاپور	آدامز و نیسن
کاوش	امریکا	۱۹۶۸-۶۹	چغاسفید و شرف‌آباد	هول و فلانری
بررسی	امریکا	۱۹۶۸-۶۹	دشت‌شوشان	الیزابت کارتر
بررسی	امریکا	۱۹۶۸-۶۹	دهلران	نیلی و رایت
کاوش	امریکا	۱۹۶۸-۷۰	تپه‌فرخ‌آباد	هنری رایت
کاوش	فرانسه	۱۹۶۸-۷۹	جعفرآباد	دلفوس
کاوش	فرانسه	۱۹۶۸-۷۹	بندبال	دلفوس
کاوش	فرانسه	۱۹۶۸-۷۹	جوی	دلفوس
کاوش	فرانسه	۱۹۶۸-۱۹۷۹	شوش	ژان پرو
کاوش	امریکا	۱۹۶۹	تپه‌سوهز - بهبهان	نیسن
کاوش	امریکا	۱۹۶۹	شهر شاهی	الیزابت کارتر
بررسی	امریکا	۱۹۶۹	دشت شوشان	فرانک هول
بررسی	امریکا	۱۹۶۹	گتوند	هنری رایت
کاوش	ایران	۱۹۶۹	دستوا (شوستر)	سرفراز
بررسی	امریکا	۱۹۶۹	رامهرمز	رایت و کارتر
بررسی	فرانسه	۱۹۷۰	قلعه‌برده و قلعه‌لیت	گیرشمن
کاوش	فرانسه	۱۹۷۰-۷۶	کاخ شائور	بوشارلا
بررسی	امریکا	۱۹۷۰-۷۱	دشت شوشان	جانسون
بررسی	آلمان	۱۹۷۱	فهلپان خوزستان، کیکاووس خوزستان، مسجد سلیمان، شوستر	کلاوس شیبمن
کاوش	آلمان	۱۹۷۱	تپه‌شرف‌آباد	رابرت شاخت
کاوش	امریکا	۱۹۷۲	قبر شیخان	هاروی وایس
کاوش	فرانسه	۱۹۷۲	تپه‌بوری و تپه‌دیلیم شوستر	پراستو
کاوش	فرانسه	۱۹۷۲	تپه‌دیلیم و تپه‌بوری شوستر	پراستو
بررسی	ایران	۱۹۷۲-۷۵	خوزستان	گنجوی

گمانه زنی	ایران	۱۹۷۳	تپه گلکه، مسجدسلیمان	سرفراز
بررسی	ایران	۱۹۷۳	مسجدسلیمان	علی اکبر سرفراز
بررسی	فرانسه	۱۹۷۳	تنگ سروک و مال امیر	دووال
کاوش	امریکا	۱۹۷۳	تولایی	فرانک هول
کاوش	امریکا	۱۹۷۳	تپه ۳۷۲	فرانک هول
بررسی	امریکا-ایران	۱۹۷۳-۷۴	شرق خوزستان (ایذه)	رایت و کوثری
کاوش	فرانسه	۱۹۷۳-۷۴	جعفرآباد	ژنوبو دولفوس
بررسی	امریکا	۱۹۷۳-۷۴	خوزستان	هنری رایت
بررسی	آلمان	۱۹۷۳-۷۴	دشت شوشان	رابرت ونکه
بررسی	آلمان	۱۹۷۳-۱۹۷۵	خوزستان	ولفرام کلایس
بررسی	امریکا	۱۹۷۳-۷۵	دزفول و خوزستان	گریگوری جانسون
بررسی	امریکا	۱۹۷۴	خوزستان	هانسمن
کاوش	امریکا	۱۹۷۴-۷۵	بندبال	ژنوبو دلفوس
بررسی	آلمان	۱۹۷۴-۷۵	میاناب (هفت تپه)	رابرت شاخت
بررسی		۱۹۷۴-۷۵	تنگ سروک و مال بختیاری	اریک دووال
کاوش	امریکا	۱۹۷۵	چغابوت	هلن کنتور
بررسی	امریکا	۱۹۷۵	دشت گل	هنری رایت
بررسی	بلژیک	۱۹۷۵	شرق خوزستان	واندنبگ
بررسی	امریکا-ایران	۱۹۷۵-۷۶	دشت گل - ایذه	رایت و کوثری
بررسی	امریکا	۱۹۷۶	دشت ایذه	هنری رایت
کاوش	امریکا	۱۹۷۶	تپه رضاقلی دشت گل	هنری رایت
کاوش	امریکا	۱۹۷۶	چغابوت	هلن کنتور
بررسی	امریکا	۱۹۷۷	خوزستان	جان آلدن
بررسی	فرانسه	۱۹۷۷	دره کوچک بین دهلران و خوزستان (شمال شوش)	دومیرو شجی
بررسی	آلمان	۱۹۷۷	شرق خوزستان (بهبهان)	آلن زاگارل
بررسی	ایران	۱۹۷۸	دیمچه	حسن طلائی
بررسی	ایران	۲۰۰۱	دشت میاناب شوستر	عباس مقدم
بررسی	ایران	۲۰۰۶	رامهرمز	عباس علیزاده
کاوش	ایران	۱۳۸۴	تل ابوچیزان شوستر	عباس مقدم
کاوش	ایران	۱۳۸۵	ابوفندوا هفت تپه	عباس علیزاده، نیاکان
بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۵	تل گسر رامهرمز	عباس علیزاده، نیاکان
کاوش فصل دوم	ایران	۱۳۸۵	هفت تپه	مفیدی
کاوش	ایران	۱۳۸۵	ایوان کرخه	غلامعلی باغبان
بررسی و گمانه زنی	ایران	۱۳۸۵	شوستر	عبدالمجید رضایی
کاوش	ایران	۱۳۸۶	حوزه آبگیری دریاچه سد کارون ۲ در بخش دشت سوسن ایذه	سعیدی
کاوش	ایران	۱۳۸۶	جویچی	آرمان شیشه گر
بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۶	حوزه سرداریان شوستر	خسرو پوربخشنده
تعیین حریم	ایران	۱۳۸۶	محوطه شوش	محمدتقی عطایی
تعیین حریم	ایران	۱۳۸۶	صفه سرمسجد و برده نشاندۀ مسجدسلیمان	سیدمحسن حسینی
بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۶	محدوده آبگیری سد گتوند	حسین عزیزی
بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۶	محدوده آبگیری سد گتوند	عبدالرضا پیمانی

بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۶	محوطه منصورآباد بهبهان	احمد آزادی
بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۶	دشت سوسن ایذه	میراسکندری
بررسی	ایران	۱۳۸۷	رامهرمز	احمدزاده و امیدفر
کاوش	ایران	۱۳۸۷	هفت‌تپه	هیئت مشترک ایران و آلمان به سرپرستی مفیدی
کاوش	ایران	۱۳۸۷	قلعه سلاسل	رهبر
کاوش	ایران	۱۳۸۷	تپه سنجر	سرداری
گمانه‌زنی	ایران	۱۳۸۷	خرم‌کوشک اهواز	حسینی
بررسی	ایران	۱۳۸۷	بهبهان	عبدی
بررسی ژئوفیزیک	ایران	۱۳۸۷	هفت‌تپه	هیئت مشترک ایران و آلمان به سرپرستی مفیدی
کاوش	ایران	۱۳۸۷	مسیر قطار شهری اهواز	فریادیان
پی‌گردی	ایران	۱۳۸۷	قلعه سلاسل	موسوی
کاوش مشترک ایران و آلمان	ایران	۱۳۸۷	هفت‌تپه	مفیدی
کاوش مشترک ایران و ایتالیا	ایران	۱۳۸۷	خونگ‌اژدر (ایذه)	جعفر مهرکیان
بررسی و شناسایی	ایران	۱۳۸۷	حاشیه رود کرخه	محمد شیخ
گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم	ایران	۱۳۸۷	صفه سرمسجد و بردنشانده	سیدمحسن حسینی
گمانه‌زنی	ایران	۱۳۸۸	محوطه باستانی حسین غلیم شوش	محمد شیخ
گمانه‌زنی	ایران	۱۳۸۸	تل‌رضوان (رامشیر)	سیدمحسن حسینی
گمانه‌زنی	ایران	۱۳۸۸	جوبجی	آرمان شیشه‌گر
کاوش آموزشی	ایران	۱۳۸۸	محوطه باستانی مشول (شوشتر)	عباس مقدم
بررسی دریاچه‌ای در حوزه محوطه‌های باستانی	ایران	۱۳۸۸	ایذه	جمالی
کاوش	ایران	۱۳۸۸	بندر دیلم، سی نیز مهرویان	توفیقیان و اسماعیلی جلودار
کاوش	ایران	۱۳۸۸	کلاتر ۴ و چم‌لوند	ولی‌پور
کاوش	ایران	۱۳۸۹	بالنجان دزفول	عبدی

منابع

الف. فارسی:

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد
 ۱۳۸۳، *تاریخ ابن‌خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم
 ۱۳۶۸، *مسالک و ممالک* (ترجمه فارسی قرن پنجم/ ششم هجری)، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوبید، کلمنت آگوستوس، بارون
 ۱۳۷۱، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیولافوا، ژان
 ۱۳۷۱، *ایران، کلمه و شوش*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکریا بن محمد بن محمود القزوی
 ۱۳۶۶، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه‌زار)، تهران، انتشارات اندیشه جوان.
- رضایی‌نیا، عباس
 ۱۳۸۱، «بحثی دربارهٔ معبد چهارستونی بردنشانده و معبد بزرگ مسجد سلیمان»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال شانزدهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۸۱: ۳۴-۲۵.
- رفیعی‌علوی علویجه، بابک
 ۱۳۸۶، *سنجش میزان گسترش حوزه ایلام کهن از ۱۶۰۰-۱۹۰۰ پیش‌زمین، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.*
- رهر، مهدی
 ۱۳۷۸، *گزارش فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی صالح داوود*، تهران، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- زاگال، آلن
 ۱۳۸۷، *باستان‌شناسی پیش‌تاریخ منطقه بختیاری، ظهور شیوه جدید زندگی در ارتفاعات*، ترجمه کوروش روستایی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری.
- ستوده، منوچهر
 ۱۳۴۰، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شیشه‌گر، آرمان
 ۱۳۸۶، *کشف آرامگاهی از خاندان شاه شوتور نه‌تته پسر ایند، دوره ایلام نو*، مرحله ۳ب (۵۸۵ تا ۵۳۹ پ.م)، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صرف، محمدرحیم
 ۱۳۶۸، «جام برنزی کیدین هوتران مکشوفه از ارجان، بهبهان»، *اثر*، شماره ۱۷: صص ۶۱-۴.
- ۱۳۷۸، *نقوش برجسته ایلامی*، با مقدمه‌ای از عزت‌الله نگهبان، تهران، انتشارات سمت.
- عبدی، کامیار
 ۱۳۷۳، «صدوسی سال حفاری در شوش»، *ویژنامه نخستین گردهمایی باستان‌شناسان ایران (شوش)*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- علیزاده، عباس
 ۱۳۷۱، «بازتاب نقش جغرافیایی، زیست‌محیطی و اقتصادی در تحولات جنوب باختری ایران»، *اثر*، شماره ۲۱: ۴۷-۲۹.
- ۱۳۸۲، *الگوهای استقرار و فرهنگ‌های پیش‌تاریخی دشت شوشان (براساس تحلیل مجموعه حاصل از بررسی ف. ج. ل. گرملیزا)*، با مقدمه هنری رایت، ترجمه لیلا پاپلی‌یزدی و عمران گاراژیان، تهران، انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- کابلی، میر عابدین
 ۱۳۷۸، «چگونگی برپائی تختگاه و آپادانای شوش»، *دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد سوم)*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- کروران، مونیک
 ۱۳۷۶، «نحوه تغییر شکل شهر شوش و اقتصاد آن از عهد ساسانی تا عهد عباسی، شوش و جنوب غربی ایران»، *گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش*، ترجمه هایدی اقبال، تهران، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه: ۲۵۸-۲۴۴.
- گنجوی، سعید
 ۱۳۵۲، «بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی استان خوزستان»، *گزارش دومین مجمع سالانه کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.
- ۱۳۵۳، «بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی استان خوزستان»، *گزارش سومین مجمع سالانه کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.
- ۱۳۵۴، «بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی استان خوزستان»، *گزارش چهارمین مجمع سالانه کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.
- گیرشمن، رومن
 ۱۳۷۳، *چهارتبیله (دور و نتاش)*، ج اول، زیگورات، ترجمه اصغر کریمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی.
- لفتوس، ویلیام کنت

ب. غیر فارسی:

Adams, Robert McC.

1962, "Agriculture and urban life in early southwestern Iran", *Science* 136: 109-122.

Alden, John, R.

1982, "Trade and politics in Proto-Elamite Iran", *Current Anthropology* 23(6): 613-640.

Alizadeh, A.

1985, "Elymaean occupation of lower Khuzestan during the Seleucid and Parthian periods: A proposal", *Iranica Antiqua* 20: 175-195.

2003, *Chogha Bonut: Excavation at the prehistoric mound of Chogha Bonut, Khuzestan, Iran*, Oriental institute publications 120, Chicago, oriental institute.

2008, *Chogha Mish II, the development of prehistoric regional center in lowland Susiana*, Southwestern Iran, Final report on the last six seasons of excavations, 1972-1978. University of Chicago oriental institute publications vol 130.

Alizadeh, Abbas et all

2004/5, "Preliminary report on the joint ICHTO-oriental institute excavation at KS-004 and KS-108 in lowland Susiana, Southwestern Iran", *Oriental institute annual report 2004/5*: 56-68.

Braidwood, Robert J.

1961, "The Iranian prehistoric project, 1959-1960", *Iranica Antiqua* 1: 3-7.

Caldwell, Josef

1968, "Tall-i Ghazir", *Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archäologie* 3: 348-355.

Delougaz, Pinhas and Kantor Helen J.

1996, *Chogha Mish, Vol I, the first five seasons of excavations 1961-1971*, Edit by Abbas Alizadeh. Chicago, oriental institute.

Dollfus G.

1985. *le peuplement de la susiane au cours du Ve millenaire*, paleorient, V 11/2 - 1985, P11-21.

Hansman, J.

1972, "Elamite, Achamenids and Anshan", *Iran* X:

۱۳۸۵، سفرنامه پژوهشی سرهنگ لفتوس، نخستین کاوشگر شوش،

ترجمه عباس امام، تهران، نشر شادگان.

محمدی‌فر، یعقوب

۱۳۸۷، باستان‌شناسی و هنر/اشکانی، تهران، انتشارات سمت.

مفیدی، بهزاد

۱۳۸۳، گزارش حفاری هفت‌تپه، انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.

مقدم، عباس

۱۳۸۴، بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوستر، تهران، انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.

ملک‌شهمیرزادی، صادق

۱۳۸۲، ایران در پیش‌از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

مهرکیان، جعفر

۱۳۷۶، «پیشینه پژوهش در نگارنده‌های سنگی و صخره‌ای ایران»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال دهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۷۵، شماره پیاپی ۲۰: ۶۱-۵۴.

نگهبان، عزت‌الله

۱۳۷۲، حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

واندنبرگ، لویی

۱۳۷۹، باستان‌شناسی ایران باستان، با مقدمه رومن گیرشمن، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

وطن‌دوست، رسول

۱۳۶۷، «مرمت، حفاظت و مطالعه فنی تعدادی از اشیاء فلزی گنجینه ارجان»، اثر، شماره ۱۶-۱۵: ۱۱۶-۷۲.

ولی‌پور، حمیدرضا

۱۳۸۱، «پایگاه‌های تجاری آغاز ایلامی»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال شانزدهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۰: ۳۵-۲۶.

ویتکمب، دونالد

۱۳۷۶، «باستان‌شناسی اسلامی در شوش، شوش و جنوب غربی ایران»، گزارش‌گردهمایی بین‌المللی شوش و سمنینار بلو، ترجمه هایدی اقبال، تهران، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه: ۲۳۶-۲۳۴.

هرمان، جورجینا

۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

هول، فرانک

۱۳۸۱، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.

- Deh Luran plain*. 63-70.
- Vallat, F.
1984, "Kidin-Hutran et neo-elamit", *Akkadian* 37: 1-4.
- Wenke, Robert J.
1975, "Imperial Investment and Agricultural Development in Parthian and sasanian Khuzestan: 150 B.C to 640 A.D", *Mesopotamia* 9-11: 31-221.
- Wright, Henry T.
1969, "Tepe Farukhabad", *Iran* VII: 172-173.
- Wright, Henry T. and Elizabeth Carter
2003, "Archaeological survey on the western Ram Hormuz plain 1969", *Yeki bud, yeki nabud: essays on the archaeology of Iran* in honor of William M. Sumner, Naomi Miller and Kamyar Abdi (eds.): 61-82, *Los Angeles: Cotsen Institute of Archaeology at UCLA*.
- Wright, Henry T. and Yahya Kossary
1979, "Archaeological survey on the Dasht-e Gol, February 1975", *Archaeological Investigations in Northeastern Xuzestan*. 1976: 1-18, Edited by Henry T. Wright, Museum of Anthropology, The University of Michigan, Technical Reports, Num 10. Ann Arbor.
- Wright, Henry T. and Yaghamai, Ismael
1979, "Archaeological survey in the vicinity of Iveh. January 1975", *Archaeological Investigations in Northeastern Xuzestan*. 1976: 12-32, Edited by Henry T. Wright, Museum of Anthropology, The University of Michigan, Technical Reports, Num 10. Ann Arbor.
- 101-125.
- Hesse, A.
1974, "Note sur la form et la dimension des housed pierre", *DAFI5*: 63-66.
- Hole, Frank
1974, "Tepe Tulai, an early campsite in Khuzistan, Iran", *PALEORIENT* 2: 219-242.
- Hole, Frank & Kenet Flannery & James A. Neely
1962, "Excavations at Alikosh", *Iranica Antiqua* 2: 97-148.
- 1969, "Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain, an Early village sequence From Khuzistan", *Iran, Memoirs of the Museum of Anthropology University of Michigan*, Number 1, Ann Arbor.
- Johnson, Gregory A.
1973, *Local exchange and early state development in southwestern Iran*, Ann Arbor: University of Michigan Museum of Anthropology.
- Kinner, J.M.
1813, *A Geographical Memoir of the persial Empire*, London: John Murray.
- Kirkby, Michael J.
1977, *Land and water Resources of the Dehluran and Khuzestan plains*, Memoirs of the Museum of Anthropology IX: 251-288.
- Kirkby, Michael J, & A.V.T. Kirkby
1969, *Provisional report on Geomorphology and land use in Deh Luran and upper Khuzistan*.
- Layard, A.M.
1842, "Ancient sites among the Bakhtiari mountains, with remarks on the rivers of Susiana, and the site of susa, by professor Long, v.p." *JRGS* 12: 9-102.
- Le bruau, A.
1985. *Le niveau 18 de LAcropole de susa. Memoire d argil*, memoire du temps, Paleorient, V11/2, P 31-37
- Mehrlian, Jafar.
2001, "Trols bas-reliefs Parthes dans les monts Bakhtiari", *Iranica Antiqua*, Vol. XXXVI: 293-298.
- Redding, R.W.
1981, *The Faunal remains, in an early town on the*